

تفسیر روان و ساده قرآن کریم
قسمت چهاردهم، سوره توحید

ذکر کتاب

درس گفتارهای
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الظَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

تفسیر سوره توحید

تفسیر روان و آسان از قرآن کریم را ادامه می دهیم.
تفسیر سوره حمد را تمام کردیم. عرض کردیم چون
سوره توحید معمولاً در نماز، بعد از حمد خوانده
می شود، لذا تفسیر این سوره را اینجا، تقدیم محضرتان
می کنیم. بعد از ان شاء الله بپردازیم به تفسیر سوره بقره،
تا روزی برسیم به انتهای قرآن.

اهمیت سوره توحید

سوره توحید یکی از با ارزش ترین و با فضیلت ترین
سوره های قرآن است. آن قدر این سوره اهمیت دارد که
علما و کسانی که احکام نماز را برای ما بیان می کنند،
فرموده اند که باید در شبانه روز، حداقل در یکی از
نمازها، یک بار سوره توحید خوانده شود.

هرچند سوره توحید خیلی فضیلت دارد، اما بجای سوره توحید، می‌توانیم سوره‌های دیگر را نیز بخوانیم. ولی مراقب باشیم در شبانه‌روز، خواندن این سوره ترک نشود. حداقل در یکی از نمازها، سوره توحید خوانده شود.

این به‌خاطر اهمیت این سوره است. [سؤال] چرا سوره توحید اهمیت دارد؟ برای اینکه این سوره، خدا را به ما معرفی می‌کند. یک معرفی اجمالی و کلی اما به‌صورت اساسی، از خدایی که باید به‌سوی او حرکت کنیم. خدایی که ما را آفریده تا هرچه خودش دارد، به ما بدهد.

روایت امام سجاد علیه‌السلام درباره سوره توحید

در باره این سوره، روایات زیادی داریم. امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: «خدا این سوره را برای مردم زمان پیامبر نازل فرموده». خدا می‌دانست که اقوام ژرف‌نگری در آینده خواهند آمد که مفهوم این سوره را می‌توانند به‌درستی بفهمند. مردم زمان پیامبر، شاید هنوز به آن حدی از رشد نرسیده بودند که مفهوم دقیق این سوره را بتوانند درک کنند.

امام سجاد فرمود: «در آینده خواهند آمد.» ما فکر می‌کنیم آن آیندگانی که امام سجاد می‌فرمود، همین

الان آمده‌اند. این آیندگان ما هستیم. به هر حال، باید سعی کنیم تا مفاهیم این سوره را درک کنیم.

روایت امام باقر علیه السلام درباره واژه «صمد»

روایت دوم از امام باقر علیه السلام است که می‌فرماید: «اگر می‌یافتم کسانی را که کلام مرا به درستی بفهمند، من تمام دین را از کلمه «صمد» این سوره، درمی‌آوردم.» در واقع امام باقر نیز می‌فرمایند که هنوز مردمی که قدرت درک کامل این سوره را داشته باشند، در زمان من هم نیستند.

ما، جزو آخرالزمانی‌ها هستیم و عقل‌مان رشد کرده است. خدا این توانایی را به ما داده، پس می‌توانیم مفهومی که خدای متعال در این سوره به ما منتقل کرده را درک کنیم.

این دو حدیث را که عرض کردم، امام خمینی رحمه الله علیه در کتاب اربعین حدیث، در حدیث چهلیم، به سند خودشان نقل کرده‌اند از امام باقر و امام سجاد.

فضیلت سه بار خواندن سوره توحید

از جمله فضائل این سوره، این است که اگر آن را سه بار بخوانیم، معادل یک ختم قرآن است. برای همین است که وقتی برای اموات سوره حمد می‌خوانیم، خوب است سه تا «قُلْ هُوَ اللَّهُ» هم بخوانیم؛ یعنی یک ختم قرآن. چون بزرگان دین به ما گفته‌اند اگر کل قرآن را

خلاصه کنیم در یک قطره، می شود سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ». یعنی همه دین و آنچه که خدا می خواهد به ما بگوید، در همین سوره خلاصه می شود. و آن چیست؟ این است که: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (توحید: ۱)

تحلیل آیه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»

خدایی که باید او را پرستیم، به سویش حرکت کنیم و بنده اش باشیم تا به او برسیم، آن خدا چیست؟ أحد است، یعنی یگانه است. یکی، به معنای عددی که بتواند دومی برایش تصور کرد، نیست. مثلاً شما می روید کتابخانه ای و می پرسید از فلان کتاب دارید؟ می گویند بله، یکی داریم. می پرسید دو جلدش را می خواهم، می گوید نه، فقط یکی داریم. یعنی ممکن است جای دیگر هم نسخه ای باشد. این، «واحد» است. اما وقتی کتاب فروش می گوید: «از این کتاب فقط یک نسخه در کل جهان هست، دست نویسنده مؤلف است»، یعنی یگانه است.

معنای دقیق «أحد»: بی نهایت بودن خدا

می فرماید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و نفرمود واحد، یعنی آن چنان یگانه ای که تصور دومی برایش ممکن نیست. چه چیزی چنین ویژگی دارد؟ فقط «بی نهایت». بی نهایت قابل تعدد نیست. اگر دو بی نهایت تصور کنیم،

همدیگر را محدود می‌کنند. پس نمی‌توان دو بی‌نهایت داشت. برخی می‌گویند «فرض محال، محال نیست»، اما در مورد خدا، حتی تصور محال هم محال است. عقل، حتی اجازه نمی‌دهد در ذهن‌مان دو بی‌نهایت را تصور کنیم.

پس وقتی می‌فرماید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، یعنی بگو: خداوند یگانه است. یعنی بی‌نهایت است.

معنای واژه «الصَّمَدُ»

«اللَّهُ الصَّمَدُ» (توحید؛ ۲)، این خدای یگانه و بی‌نهایت، ویژگی دیگری هم دارد: صمد است. در ترجمه‌های قرآن، این‌گونه آمده که خدا بی‌نیاز است. اما «بی‌نیاز» نمی‌تواند تمام بار معنایی «صمد» را بر دوش بکشد.

صمد یعنی چه؟ یعنی موجودی که هیچ خللی در او راه ندارد. یعنی اگر خداوند بی‌نهایت موجود خلق کند، در وجودش هیچ خللی ایجاد نمی‌شود. مثال: اگر از یک کوه، مُشتی خاک برداریم، به همان اندازه از کوه کم شده است. اگر از آب‌های جهان یک قطره برداریم، همان قدر کم شده است. اما اگر خدا بی‌نهایت بدهد، از او هیچ چیز کاسته نمی‌شود. حتی به اندازه یک افسیلون.

پس معنای «صمد» می‌شود: خدایی که یگانه و بی‌نهایت است و هیچ‌گاه کم نمی‌آورد.

شرح توحید ذاتی

«لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُوَلَدْ» (توحید؛ ۳)، این بی‌نهایت، «لَمْ يَلِدْ» است؛ یعنی کسی از او متولد نشده، فرزندی ندارد. چرا؟ چون اگر فرزند داشته باشد، آن فرزند هم باید بی‌نهایت باشد. و اگر بی‌نهایت باشد، ما باید بتوانیم دو بی‌نهایت تصور کنیم، که محال است. نمی‌توان برای خدا فرزند قائل شد. نمی‌شود گفت مثلاً فرزندش بیاید چیزی از خدا به ارث ببرد. چون خدا بی‌نهایت است و بی‌نهایت ارث‌بر ندارد. اگر چیزی از او جدا شود، دیگر بی‌نهایت نیست.

«لَمْ يَلِدْ»، یعنی خدا فرزندی ندارد؛ چون نمی‌شود برای بی‌نهایت، شریک یا زاییده‌ای تصور کرد. «لَمْ يُوَلَدْ»، یعنی خودش نیز زاییده نشده. خداوند، فرزند کسی نیست؛ چراکه اگر کسی او را به وجود آورده بود، آن دیگری باید بی‌نهایت می‌بود، که دوباره به تناقض می‌رسیم. بنابراین خدا نه از کسی زاده شده (ازلی است) و نه کسی از او زاده شده (ابدی است).

آیه «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» و بی‌همتایی خداوند

«وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (توحید؛ ۴)، کُفُو، یعنی هم‌تا، هم‌سنگ، هم‌رتبه. خدا هم‌تا ندارد. نه کسی مانند اوست، نه می‌توان نظیری برای او تصور کرد. حتی در تصور هم نمی‌توان هم‌تایی برایش قائل شد.

در پایان سوره، همان مفهومی که در آغاز آمده بود (یگانگی و بی‌همتایی خدا)، تکرار می‌شود؛ تا این توحید، محکم در ذهن بنشیند.

جمع‌بندی نهایی و نقش ایمان به بی‌نهایت

از ابتدا تا انتهای سوره، خداوند از زوایای مختلف، «بی‌نهایت بودن» خود را برای ما توضیح می‌دهد.

ایمان به موارد زیر، ما را به حرکت وادار می‌کند: ۱. یقین داشته باشیم که خدا می‌خواهد همه چیزش را به ما بدهد؛ ۲. بی‌نهایت است و بی‌نهایت می‌بخشد؛ ۳. بخشش او بدون کمترین کاستی است.

چون وقتی انسان بفهمد، گنجی بی‌پایان وجود دارد، همه چیز را رها می‌کند تا به آن برسد.

این است آغاز دین‌داری: شناخت آن بی‌نهایت و یقین به اینکه به سوی او باید رفت.

توحید، آغاز و پایان دین

این بی‌نهایت، همان است که ما را خلق کرده تا به خودش برساند.

- مبدأ دین: درک عقلانی بی‌نهایت.
- معاد: رسیدن به بی‌نهایت.
- تمام مسیر دین: حرکت به سوی بی‌نهایت، از طریق همان راهی که خودش برایمان تعیین کرده.

همهٔ دین در این سه واژه خلاصه می‌شود: بی‌نهایت هست. راه رسیدن هست. برو و پرس.

نقش تردید در توقف حرکت

مشکلِ انسان از اینجا شروع می‌شود که می‌پرسد: آیا واقعاً خدا این قدر می‌دهد؟ آیا واقعاً خدا بی‌نهایت است؟ اگر هست، چرا نمی‌بینیمش؟ چرا مطمئن باشیم که می‌خواهد به ما بدهد؟

این شک‌ها، حرکت انسان را گُند یا متوقف می‌کند. اما اگر باورِ راسخ به این حقیقت در دل انسان بنشیند، آن گاه شوقِ به‌سوی خدا، فوران می‌زند.

سورهٔ توحید؛ تقویت ظرفیت وجودی انسان

برای همین است که در ماه رجب توصیه شده که سورهٔ توحید را زیاد بخوانید. چرا؟ چون: ۱. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ظرفیت وجودی انسان را بزرگ می‌کند؛ ۲. هر چه انسان بیشتر دربارهٔ بی‌نهایت فکر کند، روحش رشد می‌کند؛ ۳. بزرگ‌ترین ویتامین برای جان انسان، اندیشیدن به بی‌نهایت بودن خداست.

وقتی انسان یقین کند که خدا بی‌نهایت است و می‌خواهد به او بی‌نهایت بدهد و هر چه هم بدهد، چیزی از او کم نمی‌شود؛ این ایمان، انسان را به حرکتِ در مسیر دین می‌کشاند.

خلاصه کل دین، از نگاه امام باقر علیه السلام

همان طور که امام باقر علیه السلام فرمودند، تمام دین از همین واژه «صمد» درمی آید. اگر کسی به بی نهایت بودن خدا یقین داشته باشد، دیگر همه دین برایش معنا پیدا می کند. اما اگر چنین اعتقادی نداشته باشد، حتی اگر نماز بخواند و مناسک دینی انجام دهد، آن عبادت‌ها انسان را به جایی نمی رساند.

ما باید به این خدا اعتقاد راسخ داشته باشیم: خدایی که بی نهایت است، و می خواهد به ما بی نهایت بدهد. این باور، محرک حقیقی ما به سوی اوست.

من دیگر از نکات زیاد دیگری که درباره این سوره هست، صرف نظر می کنم تا خلاصه گویی و اختصاری که در این تفسیر قرار است رعایت شود، از دست نرود. ان شاء الله در جلسه بعد به سوره بقره می رسیم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.